



## پیاده روی اربعین تعطیل نیست!



حمیدرضا محمدی

× الگوی چاووش کردن چاره امسال و هر سال مادر روزهای اربعین است

حجت الاسلام محمد مهدی فاطمی صدر مشاور مجمع تشکل های بین الملل این روزها با حرکت پیاده روی «الی بیت المقدس» نامش بر سر زبان ها افتاده است؛ طرحی که در روز قدس امسال برای عبور از محدودیت های کرونا شناسایی نقاط چاووش و حرکت به سمت این نقاط را با رعایت کامل دستورالعمل های بهداشتی ارائه داد. از این طرح که با عنوان حرکت پیاده روی «الی بیت المقدس» رونمایی شد، در کشورهای مختلف هم استقبال خوبی صورت گرفت و توانست حرکت جمعی و شبکه ای قابل ملاحظه ای را در راه آرمان فلسطین رقم بزند. حجت الاسلام فاطمی صدر معتقد است باید از ظرفیت عظیم اربعین برای تکریم روز جهانی قدس استفاده کرد و تاکید دارد می شود اربعین را توسعه داد و بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری، روساخت های روز قدس را برزیرساخت های اربعین سوار کنیم و از این ظرفیت عظیم اربعین در جهت تکریم روز جهانی قدس بهره ببریم. برای تشریح نگاه مشاور مجمع تشکل های بین الملل در رابطه با روساخت های روز قدس و زیرساخت های اربعین و نسبت مطلوب این دو با ایشان به گفت و گو نشستیم که در ادامه می خوانید.

**حالا که رئیس جمهور و مقامات وزارت کشور سخن از لغو مراسم پیاده روی اربعین می‌زنند شما چگونه می‌خواهید نقش آفرینی کنید؟**

«تکلیف ما مشخص است. آخر، کار امام حسینی اینجوری است که ما هیچ قاعده‌ای برایش قائل نیستیم. کارهایی که باید انجام بشود، اگر بتوانیم در هر شرایطی انجام می‌دهیم، هر قدر که از دستمان برپایه، ما در اربعین امسال باید چند کلیدواژه را خوب تبیین کنیم تا بتوانیم اربعین را به خوبی پیش ببریم. اگر این اتفاق بیفتد می‌توانیم بسیاری از قطعات دیگر اربعین را هم در چهارچوب‌های خودمان بازتعریف کنیم. حضرت آقا تعبیر «تمدنی» را درباره اربعین به کار می‌برد؛ حتی اخیراً دیدیم که ایشان در دهه پنجاه متوجه این اتفاق بودند و به ظرفیت‌های اربعین فکر می‌کردند. اگر هدایت و نگاه ایشان نبود، شاید ما در ماجرای اربعین، مسیر دیگری را در پیش می‌گرفتیم. اگر در اربعین به اینجا رسیدیم به حساسیت‌های ایشان برمی‌گردد. ایشان از دهه چهل و پنجاه با اربعین درگیر بودند و اربعین را دیدند و فهمیدند و شاید مترصد این بودند که بتوانند روزی اربعین را داخل خاک ایران بیاورند و ایران را درگیر کنند. کشور، درگیر اربعین شده است و کم‌کم دارد به سنت تبدیل می‌شود؛ اما خاک ایران هنوز درگیر اربعین نشده است. اربعین ظرفیت بسیار عظیمی دارد. ما باید درباره ظرفیت اربعین صحبت کنیم و بتوانیم آن را به خوبی تبیین کنیم. الان پیش‌فرض ما این است که اربعین روی زیرساخت‌ها و سنت‌های محرم توسعه پیدا کرده است. من فکر می‌کنم شاید الان در نقطه عطف اربعین ایستاده‌ایم و بنای آن بر سنت‌های محرم یکی از الطاف خفیه الهی است. الان دارد برعکس می‌شود.

خیلی واضح است که امسال برنامه نجات و احیای محرم را در بازگشت به راه‌های اربعین داریم. نقطه عطف این همه‌گیری این است که اربعین را روی قطعات و چهارچوب‌های تمدنی شیعی برگردانده است؛ یعنی تمدن شیعی را روی شریان‌های اربعین بازتعریف می‌کنیم. این لطف خفیه الهی درباره ما بود. یکی از مفاهیمی که باید به آن بپردازیم، مفهوم «پیاده» در تلفظ عربی و «پیاده» در تلفظ فارسی است. ما طی صدها سال، پیاده‌روی به سمت عتبات عراق، حرمین مدینه و مکه و قدس را داشته‌ایم. سنت پیاده‌روی نه فقط در بین مسلمان‌ها که حتی در بین مسیحی‌ها هم خیلی پررنگ است. در این مدت بین پیاده‌روی موضوعی و پیاده‌روی طریقی خلط شده است. این دو چه تفاوتی

**۹۹٫۹ درصد ایرانی‌ها این طور فکر می‌کنند. موبداری و خدمت‌رسانی و شبکه‌سازی ما هم متأثر از همین نگاه است. تازه قدری به طریق علما و طریق سوایا توسعه پیدا کرده است. در کل اربعین، فقط برای این جاده سیاست‌گذاری می‌کنیم. نمونه زنده‌اش هم همین الان است که ما می‌گوییم اربعین امسال تعطیل است. چرا؟! چون این جاده، بسته است. اربعین تعطیل است، چون این جاده تعطیل است.**

با هم دارند؟ زمانی برای خرید روزانه پیاده می‌روم و اگر این احتیاجات رفع شود و مثلاً در خانه نان باشد دیگر نیازی به پیاده‌رفتن ندارم. اگر امکان سواره رفتن به مسجد باشد، دلیلی نمی‌بینیم پیاده برویم. این پیاده‌روی‌ها، پیاده‌روی‌های طریقی است. در پیاده‌روی‌های طریقی پیاده رفتن به خودی خود موضوعیت ندارد. در گذشته که وسیله نقلیه نبود و مردم پیاده به سمت عتبات می‌رفتند هم، پیاده‌روی طریقی انجام می‌دادند و اگر توانش را داشتند و اسبی یا شتری پیدا می‌کردند، طبیعی بود که پیاده نمی‌رفتند. اما پیاده‌روی موضوعی یعنی اینکه من پیاده می‌روم و پیاده رفتن برای من موضوعیت دارد و خود مسیر پیاده رفتن برای من مهم است. در مقام تشبیه، پیاده‌روی موضوعی شبیه کسانی است که برای سلامتی و برای ورزش پیاده‌روی می‌کنند. پیاده‌روی اربعین را ابتدا سید محمود هاشمی بزرگ آغاز کرد که خیلی در تاریخ، محوریت دارد و بعد بقیه به ایشان ملحق شدند. پیاده‌روی اربعین یک پیاده‌روی موضوعی است. در زیارت عتبات هم آدم‌هایی هستند که مسیر، برایشان موضوعیت دارد و پیاده‌روی موضوعی انجام می‌دهند. عراقی‌ها این پیاده‌روی را از خاندان‌های ایرانی که آنجا درگیر بودند و پیگیری می‌کردند، می‌گیرند. چون به نظر می‌رسد ابتکار عمل در اختیار علما بوده و علمای ایرانی و خاندان‌های ایرانی در نجف و کربلا عاملی بودند تا پیاده‌روی موضوعی اربعین که مدتی افول کرده بود، دوباره باب می‌شود. در پیاده‌روی موضوعی اربعین، نگاه این است که ما پیاده‌نظام ظهور هستیم و از این طریق به مشاهد ائمه می‌رویم تا برسیم به خاتم‌الاولیا (عج)؛ این مفهوم پیاده یا پیاده است. این نگاه، ما را به سمت







”می‌توانم تقریباً این ادعا را داشته باشم که عمده عراقی‌ها اساساً ما را ندیدند. موکب‌های ما را هم ندیدند و متوجه حضور ما نشدند که ما نگران به هم ریخته شدن ساختار اربعین باشیم. تقریباً هیچ ارتباطی با بدنه و زیست مردم نمی‌گیریم. در صورتی که در آن ساختار شریانی اربعین، انبوه شهرها و روستاها درگیر هستند. راه این است که باید اربعین را از مبدأ شروع کنیم، از دم در خانه‌هایمان

فهم نگاه تمدنی اربعین می‌رساند. عراقی‌ها هم مثل ما متوجه فهم تمدنی اربعین هستند و ما در این راه تنها نیستیم. اربعین حتی زیر فشار صدام هم تعطیل نشد و با سقوط صدام کم‌کم اوج گرفت و گسترش پیدا کرد. دوست عراقی ما تعریف می‌کرد که بعد از سقوط صدام، نیروهای عراقی وقتی خیل جمعیت را در مسیر پیاده‌روی می‌دیدند می‌گفتند «ازدهای سیاه» به راه افتاد. آمریکایی‌ها متوجه شده بودند که با چه تهدیدی روبه‌رو هستند و کاملاً می‌فهمیدند که اگر این را رها کنند، خیلی برایشان مشکل درست می‌شود.

مفهوم دیگر که باید تبیین شود، «پیاده از خانه» است. در سنت تاریخی عراقی‌ها، حرکت پیاده از دم در خانه‌ها شروع می‌شود، از هر جایی که محب و شیعه‌ای هست شریان پیاده از خانه شروع می‌شود. در واقع الگوی الهی این است که حرکتشان را از در خانه خود در روستا یا شهر شروع می‌کنند، به هم می‌پیوندند و به مسیرهای اصلی و متراکم‌تر می‌روند تا به عتبات می‌رسند. مجموعه روایت‌هایی هم تأکید دارند که «خرج من منزله، برید زبارت قبر الحسین

ان کان ماشیا...» حرکت پیاده از خانه شروع می‌شود و ما از خانه باید شروع کنیم و قدم به قدم جلو برویم. پس حرکت پیاده از منزل، ریشه روایی دارد و یک سنت تاریخی در عراق است. می‌رسیم به مفهوم سوم. از مفهوم سوم می‌خواهم به داستان اربعین ورود کنم. من اربعین را به عنوان زیرساخت بقیه مناسک می‌بینم. بعید نیست از همین مسیر پیاده به سمت قدس یا به سمت مکه و مدینه برویم. اگر زیرساخت‌های تمدنی اربعین را در این چهارچوب مهیا کنیم، حتی می‌توانیم روزی پیاده به قدس برویم یا برویم پیاده به سمت مکه و مدینه. اینجا ما مفهومی به اسم «اربعین از مبدأ» داریم. نقطه مقابل اربعین از مبدأ، اربعین از مقصد است. اگر به مفهوم پیاده و مفهوم پیاده از خانه برگردیم، متوجه می‌شویم که اسلوبی که در احیای اربعین در داخل ایران وجود دارد، اسلوب اربعین از مقصد است و این خلاف آن اسلوبی است که در عراق مواجه هستیم. در عراق این اسلوب، اسلوب اربعین از مبدأ است. اربعین از مبدأ یعنی همین پیاده از خانه. در این اسلوب دیگر فقط خود پیاده‌روی جزئی از ارکان اساسی نیست، آن وقت همه اینها از مبدا اتفاق می‌افتد. جزئی از اربعین، پیاده رفتن است؛ بقیه امور در اربعین مثل موکب‌داری کردن، خدمت کردن و شبکه کردن و فرهنگ‌سازی کردن، حتی سطوح سیاست‌گذاری و گفت‌وگو سازی همه اینها موضوعیت پیدا می‌کند. آن وقت اگر خودمان هم بخواهیم سیاست‌گذاری کنیم اربعین را از مبدأ می‌بینیم. شریان‌های اربعین از مبدأ شکل می‌گیرد و موکب‌داری‌اش هم به همین نحو است، خدمت‌گذاری‌اش به همین نحو و شبکه‌سازی هم در همین چهارچوب انجام می‌شود، ولی آن چیزی که ما از اربعین شناختیم، اربعین از مقصد است.

#### اربعین از مقصد را دقیق‌تر توضیح بدهید.

❖ به این معنا که ما آمدم اربعین را در آن هفتاد، هشتاد کیلومتر آخ‌ش و از جاده نجف به کربلا خلاصه کردیم و شناختیم و این را اربعین می‌دانیم. وقتی می‌گوییم پیاده‌روی اربعین، مقصودمان پیاده‌روی فاصله بین نجف تا کربلاست از جاده کویر. ۹۹،۹ درصد ایرانی‌ها این‌طور فکر می‌کنند. موکب‌داری و خدمت‌رسانی و شبکه‌سازی ما هم متأثر از همین نگاه است. تازه قدری به طریق علما و طریق سوا یا توسعه پیدا کرده است. در کل اربعین، فقط برای این جاده، سیاست‌گذاری می‌کنیم. نمونه زنده‌اش هم همین الان است که ما می‌گوییم اربعین امسال تعطیل است. چرا؟! چون این جاده، بسته است. اربعین تعطیل است، چون این جاده تعطیل است. اربعین را بیش از جاده نمی‌شناسیم و نفهمیدیم. نظریه‌پردازی‌هایمان هم به همین شکل است. کلی تحلیل داریم که ساختار اربعین را با موکب‌های دولتی به هم ریختیم و...

اما وقتی از عراقی‌ها می‌پرسیم که این حضور ما و این موکب‌داری ما در اربعین شما چقدر تأثیر گذاشته؟! می‌گویند تقریباً هیچی. می‌گویند ما اساساً متوجه و متعرض حضور شما نشدیم. چرا نشدند؟! به خاطر اینکه اگر شما مسافتی حساب کنید، شریان‌های پیاده اربعین در داخل خاک عراق از مبداهای مختلف شروع می‌شود و به هم می‌پیوندند و بعد می‌رسند به کربلا. طول این شریان‌ها دو سه هزار کیلومتر است و مسیر نجف تا کربلا فقط هفتاد هشتاد کیلومتر بیشتر نیست. ما از جریان اربعین در عراق فقط به چهار پنج درصد آخ‌ش بسنده کردیم؛ یعنی فقط به مقصدش. از انبوه جمعیتی که راه افتادند، جمعیت کمی را در مسیر نجف می‌بینیم. بقیه کجا می‌روند؟ می‌روند به سمت قاسر، به سمت حله، به سمت هندیه و به سمت کربلا. مثل ما از دروازه جنوبی وارد کربلا نمی‌شوند، از دروازه شرقی وارد کربلا می‌شوند. غیرعراقی‌ها از دروازه جنوبی وارد کربلا می‌شوند. عراقی‌ها به شوخی یا جدی می‌گویند این مسیر اجانب است یا مسیر آدم‌هایی که اربعینشان پروازی است! آدم‌هایی که کارشان را از فرودگاه نجف شروع می‌کنند. می‌خواهم بگویم شکل ورود ما به اربعین و فهم ما از اربعین، اربعین از مقصد است. من می‌توانم تقریباً این ادعا را داشته باشم که عمده عراقی‌ها اساساً ما را ندیدند. موکب‌های ما را هم ندیدند و متوجه حضور ما نشدند که ما نگران به هم ریخته شدن ساختار اربعین باشیم. تقریباً هیچ ارتباطی با بدنه و زیست مردم نمی‌گیریم. در صورتی که در آن ساختار شریانی اربعین، انبوه شهرها و روستاها درگیر هستند. راه این است که باید اربعین را از مبدأ شروع کنیم، از دم در خانه‌هایمان. آن وقت پیاده‌روی ما از دم در خانه‌ها شروع می‌شود، موکب‌داری ما از دم در خانه‌ها شروع می‌شود، خدمت‌رسانی از دم در خانه‌ها شروع می‌شود، شبکه‌سازی ما همین‌طور، سیاست‌گذاری و بودجه‌ریزی ما همین‌طور و نظریه‌پردازی و گفت‌وگو سازی هم همین‌طور. کل اربعین را از مبدأ بازتعریف می‌کنیم.

#### گام بعدی چیست؟

❖ گام بعدی کلیدواژه «پیاده‌روی عمیق» است. وقتی من در اینجا از مفهوم پیاده‌روی استفاده می‌کنم منظور کل روند اربعین از جلوی در خانه تا گفت‌وگو سازی و... است. پیاده‌روی عمیق یعنی اینکه ما ناگزیریم که به عمق لیست خودمان یا به عمق ناشی از فاصله مبدأ به مقصد برویم. در فاصله نجف تا کربلا همه هم‌عمیقیم. باید از درب خانه شروع کنیم؛ از خرمن‌شهر، شیراز، قم، تبریز، مشهد هر جایی که هستیم. با این نگاه به سرعت، پیاده‌روی می‌شود پیاده‌روی عمیق. اگر اربعین از مبدأ داشته باشیم، پیاده‌روی‌مان، پیاده‌روی عمیق می‌شود. موکب‌داری و... هم همین‌طور. آن وقت اولین موکب را باید در قم و تبریز و مشهد بنیم تا برسیم



**” باید در پی ساخت  
شریان‌های تمدنی  
اربیین باشیم. عینی‌ترین اتفاق  
این شریان‌های تمدنی اربیین،  
پیاده‌روی است و بعد از آن  
موکب‌داری است که سبب  
شکل‌گیری یک شبکه اجتماعی  
می‌شود، یک ارتش با یک  
ستون‌کشی مشخص در عمق  
کشورهای مختلف، در ۱۸۰  
کشور دنیا. نگاه شریانی به  
اربیین در دل خودش یک  
شبکه اجتماعی عظیمی  
می‌سازد که این شبکه اجتماعی  
عظیم، یک شبکه تبلیغی عظیم  
را در دل خودش دارد و مدل  
تبلیغ زیستی اتفاق می‌افتد.**

است اگر نگاهمان اربیین از مقصد باشد، اربیین با وجود ویروس کرونا تعطیل می‌شود، اما اگر نگاه ما شریانی و اربیین از مبدا باشد، می‌توانیم امسال هم به سمت کربلا پیاده‌روی کنیم. کافی است که ما نشان کنیم نقطه چاووش شهر و روستایمان کجاست و برویم به سمت اول جاده و پرچم‌مان را برداریم صبح روز اربیین بگذاریم روی دوشمان و حرکت کنیم و آنجا سلام بدهیم، زیارت کنیم و برگردیم. این ساده‌ترین اتفاق است که می‌تواند امسال رقم بخورد. طبیعتاً ازدحام جدی هم نخواهیم داشت. پرچم‌مان را برمی‌داریم و به سمت خروجی شهر و به سمت کربلا راه می‌افتیم. به سمت حد ترخص شهر می‌رویم، جایی که دیوار شهر تمام می‌شود و جاده عتبات شروع می‌شود؛ آنجا سلام می‌دهیم، زیارت می‌کنیم، چاووش می‌کنیم و برمی‌گردیم. من فکر می‌کنم این الگوی چاووش کردن چاره امسال و هر سال ما در دوران اربیین است. ■

بروند که همان رفتن به سمت قدس است. با همان تعبیر که راه قدس از کربلا می‌گذرد. این شریان‌ها باید به سمت آرمان قدس بروند و ما از این طریق وارد جهاد در راه آرمان قدس شویم. پس باید در پی ساخت شریان‌های تمدنی اربیین باشیم. عینی‌ترین اتفاق این شریان‌های تمدنی اربیین، پیاده‌روی است و بعد از آن موکب‌داری است که سبب شکل‌گیری یک شبکه اجتماعی می‌شود، یک ارتش با یک ستون‌کشی مشخص در عمق کشورهای مختلف، در ۱۸۰ کشور دنیا. نگاه شریانی به اربیین در دل خودش یک شبکه اجتماعی عظیمی می‌سازد که این شبکه اجتماعی عظیم، یک شبکه تبلیغی عظیم را در دل خودش دارد و مدل تبلیغ زیستی اتفاق می‌افتد. مدل تبلیغ زیستی کاملاً آمیخته با زندگی مردم است. در این مدل، این مردم هستند که ما را به خانه‌هایشان دعوت می‌کنند.

#### یعنی امسال هم می‌توانیم پیاده‌روی اربیین داشته باشیم؟

«آخرین کلیدواژه‌ای که فکر می‌کنم در موردش می‌شود صحبت کرد، بحث «نقطه چاووش» است. چاووش کردن یعنی از یک سری آستانه رد بشویم. آستانه یعنی چیزی که برای ما چالش برانگیز است. آستانه اول، پیش‌قراول و صف‌شکن و خط‌شکن بودن است. باید این آستانه‌ها را پیدا کنیم و از آنها رد شویم. آستانه اول همان دم در خانه خودمان است. ما در سنت خودمان هم چاووشی خواندن داشتیم، بدرقه کردن آدم‌هایی داشتیم که در این شبکه‌های اربیینی یا در این شبکه‌های پیاده حرکت می‌کردند. نقطه چاووش را باید پیدا کنیم. نقطه چاووش، جایی است حوالی حد ترخص شرعی، قدری عقب‌تر و قدری جلوتر تا به زمین مناسبی برسیم. شاید این نقطه مناسب مسجد یا امامزاده‌ای باشد یا نه، جایی باشد که بشود در آن مسجدی یا تکیه‌ای ساخت که بشود در آنجا نهال کاشت و چاووش خواند. از دیوار شهر رد می‌شویم و به جاده عتبات می‌افتیم، می‌رویم تا برسیم به آخرین نقطه چاووش. آخرین چاووش حضرت قمر بنی هاشم و حرم حضرت عباس (ع) است تا به حرم سیدالشهدا می‌رسیم. این نقاط چاووش می‌شود کانون حرکت‌های حسینی ما و بعد از این هر حرکت پیاده‌ای که با نگاه ظهور به سمت مکه، با نگاه مقاومت به سمت قدس، با نگاه اربیین به سمت عتبات یا با نگاه غدیر به سمت نجف، انجام بدهیم، کانونش نقطه چاووش می‌شود. آن وقت در شریان‌بندی جهانی، شبکه‌ای از نقاط چاووش داریم که زائری که می‌خواهد در عمرش یک بار خودش را به کربلا برساند، در این نقاط چاووش روستا به روستا و شهر به شهر حرکت می‌کند و خودش را به کربلا می‌رساند. از این طریق ما می‌توانیم سراسر عالم را به سمت حرم سیدالشهدا (ع) و به سمت قلب تاریخ شریان‌بندی کنیم. طبیعی

به عراق. الان اولویت اول موکب ما این است که در کربلا باشیم، نشد عمود نهصد، هشتصد، ششصد، نشد نجف. نجف هم نشد... هیچی، موکب‌داری کلاً تعطیل. خیلی بعید و اندک است که کسانی بیرون از نجف موکب‌داری کنند. اگر اربیین را از مبدا شروع کنیم، وضعیت کاملاً عکس می‌شود. چهارچوب اربیین از مبدا، پیاده‌روی ما را عمیق می‌کند. نقطه مقابل پیاده‌روی عمیق، پیاده‌روی عریض است. اگر به اربیین به عنوان یک سامانه هویتی نگاه کنیم، نباید تبدیل به سنت شود. الان اربیین کم‌کم دارد مبدل به سنت ما می‌شود و به اعتقاد من، شده است و این کار آدم‌های هویت‌طلب را سخت می‌کند. برای همین، سال به سال خاطره گفتن و خاطره نوشتن از اربیین کار سخت‌تری است. اربیین در حال توسعه عریضی در جاده نجف کربلاست، به خاطر همان نگاه مقصدمحوری که توضیح دادم. در طول، اساساً تعریفی وجود ندارد و به قبل و بعد از جاده فکر نشده است و ایده‌ای نداریم. تلاشمان این است که در عرض، موکب‌هایمان متنوع‌تر، فشرده‌تر و عمیق‌تر شوند. به جای تأکید روی پیاده‌روی، روی موکب‌داری تأکید می‌شود. موکب‌داری را جواری تعریف می‌کنیم که به توقف پیاده‌روی منتهی شود تا بتوانیم طرح بزنیم. توضیح بدهیم، پوستر بزنیم و نمایشگاه بزنیم. توسعه عریض اربیین، اصالت دادن به موکب‌داری است تا اصالت دادن به پیاده‌روی؛ اصالت دادن به توقف است تا اصالت دادن به حرکت. طبیعتاً اگر اربیین را طولی توسعه بدهیم، وارد خاک ایران هم خواهد شد و ما اربیین ایرانی خواهیم داشت و از اینکه اربیین ماهیت کاملاً عراقی داشته باشد، خارج خواهیم شد. حضرت آقا هم اشاره‌ای داشتند که میزبانی عراقی‌ها نباید به هم بریزد. اگر اربیین طولی توسعه پیدا کند، واضح است دوسوم مسیر اربیین داخل خاک ایران خواهد بود. آن وقت ایرانی‌ها در داخل ایران، میزبانی می‌کنند و عراقی‌ها در داخل عراق. شریان‌های تمدنی اربیین مجموعه درخت وارونه است که از سراسر امت کشیده شده و به در حرم سیدالشهدا (ع) آمده و کل عالم شریان‌بندی شده است. اربیین ما شریانی و وارونه درخت نیست، یک پاره‌خط است و فقط پاره‌خط نجف تا کربلا را در نظر گرفتیم و قبل و بعدش کاری نداریم و حالت گسسته دارد تا حالت پیوسته. ساختار پیوسته برای اربیین از مبدا است و ساختار گسسته برای اربیین از مقصد که الان ما درگیر آن هستیم. از اینجا به کلیدواژه دیگری می‌رسیم که من اسم آن را «پیاده‌روی کامل یا پیاده‌روی قاصر» گذاشتم. در پیاده‌روی کامل از خانه شروع می‌کنیم و به کربلا می‌رسیم و ممکن است مسیر خانه ما تا کربلا به قدری طولانی باشد که در طول عمرم فقط یکبار بتوانم به این سفر بروم. این شریان‌ها در کربلا به هم می‌رسند و صبح روز اربیین این شریان‌ها باید به سمت شریان‌های حماسی